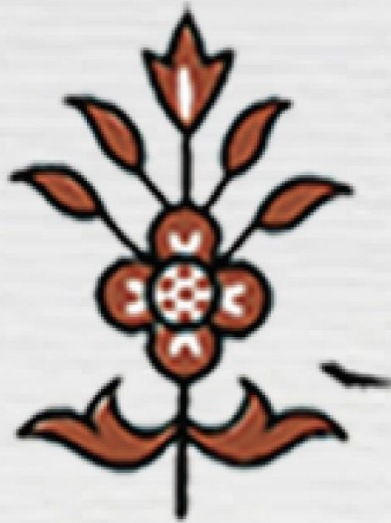




بسته مستندات سخنرانی «عزت دینی»

دهه سوم محرم ۱۴۰۵

این مجموعه، مستندات سخنرانی‌های استاد محترم، دکتر غلامی، در دهه سوم محرم ۱۴۰۵ را در بر می‌گیرد. در این بسته، آیات، روایات، حکایات و ارجاعات به منابعی که در هر جلسه مورد استناد قرار گرفته است، به‌منظور دسترسی آسان پژوهشگران و علاقه‌مندان، در قالب مجزا برای هر شب مستندسازی و تنظیم شده است.

• تولید محتوا و نگارش:

معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

• طراحی و صفحه‌آرایی:

معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

جلسه پنجم

مستندات قرآنی:

۱. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»، همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده -که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند- پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند؛ آیه شریفه ۱۵۷، سوره مبارکه اعراف.

۲. «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.»، پس چون به آن [آتش] رسید، از جانب راست وادی، در آن جایگاه مبارك، از آن درخت ندا آمد که: «ای موسی، منم، من، خداوند، پروردگار جهانیان»؛ آیه شریفه ۳۰، سوره مبارکه قصص.

۳. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»،

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد؛ آیه شریفه ۹۶، سوره مبارکه مریم.

۴. «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا

قُلِّ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ»، آنان

کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند.»؛ آیه شریفه ۷، سوره مبارکه منافقون.

مستندات روایی:

۱. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»، دنیا با بلاها و سختی‌ها احاطه شده است؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۴۸، خطبه ۲۲۶.

۲. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ»، هر کس رابطه‌اش را با خداوند متعال اصلاح کند، خداوند رابطه‌اش را با مردم اصلاح می‌کند؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۸۳، حکمت ۸۹.

۳. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ»، اگر عزت می‌خواهی، آن را در طاعت و فرمان‌بری بجوی؛ آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم: مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی (علیه السلام)، تصحیح مهدی رجایی، قم، دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۸۵.

۴. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «لَا تَجْتَمِعُ الْفِطْنَةُ وَالْبِطْنَةُ»، پرخوری و زیرکی با هم جمع نشوند؛ آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم: مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی (علیه السلام)، تصحیح مهدی رجایی، قم، دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۷۷۲.

۵. امام حسین علیه السلام: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ... وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ... وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ، وَسَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ.»، ما اهل بيت نبوت و معدن رسالت هستيم... حال آن كه يزيد مردی شراب خوار و قاتل انسان های شريف است... آن گاه كه مردم گرفتار حاكمی مثل يزيد شوند، فاتحه اسلام خوانده است و حال آن كه من از جدم رسول خدا ﷺ شنيدم كه فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است؛ ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتل الطفوف یا آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، تهران، جهان، بی‌تا، ص ۲۱.

۶. امام حسین علیه السلام: «وَاللَّهِ لَا أُعْطِي الدِّيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا.»، به خدا سوگند، هرگز تن به ذلت و پستی نخواهم داد؛ ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتل الطفوف یا آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، تهران، جهان، بی‌تا، ص ۲۷.

۷. محمد ابن مسلم: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَجَعْفَرَ ابْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَالشَّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ، وَلَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِيًا وَرَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ.»، خداوند در عوض شهادت حسین بن علی علیه السلام امامت را در ذریه او نهادند، و شفا را در تربتش قرار دادند

و اجابت دعا را در زیر قبه او قبول فرمودند، ایام زائرین آن حضرت از عمر آن ها حساب نمی شود؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۴۲۳.

۸. امام صادق علیه السلام: «شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفَرَاتُ، وَالْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ هِيَ كَرْبَلَاءُ، وَالشَّجَرَةُ هِيَ مُحَمَّدٌ علیه السلام». مقصود از «شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ» کناره های فرات است و مقصود از «الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ» کربلا است و معنای «الشَّجَرَةُ» پیامبر علیه السلام است؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص ۴۹.

۹. امام صادق علیه السلام: «حَرِيمُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام خَمْسُ فَرَاسِخَ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِ الْقَبْرِ».، حریم قبر حسین علیه السلام، [به اندازه] پنج فرسخ از چهار طرف قبر است؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۸، ص ۱۱۱.

۱۰. امام صادق علیه السلام: «يَا حُسَيْنُ، إِنَّمَا مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام إِنْ كَانَ مَا شِئَا كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٌ

وَمُجِي عَنْهُ سَيِّئَةٌ، فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَافِرٍ حَسَنَةً وَحَظَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ، حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ الْمُنْجِحِينَ، حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ، حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا مَضَى.»، ای

حسین (بن ثویر) براستی که هر کس به قصد زیارت قبر حسین (ع) از منزل خود خارج شود چنان چه پیاده باشد، خداوند متعال به هر گامی که بر می‌دارد حسنه‌ای در نامه عملش ثبت فرماید و گناهی از وی محو سازد، و اگر سواره باشد خداوند به هر قدمی که مرکبش بر زمین گذارد حسنه‌ای برای او بنویسد و گناهی از نامه عملش بزداید تا اینکه به حائر مقدس حسین (ع) برسد، آن گاه نام وی را در زمره رستگاران و حاجت رواشدگان بنویسد تا آن که از زیارت فارغ شود او را از گروه پیروزان قرار دهد و چون قصد بازگشت کند فرشته‌ای بیاید و او را بشارت دهد که رسول خدا (ص) بر تو سلام می‌رساند و پیام می‌دهد که عمل از سر گیر که خداوند گناهان گذشته تو را ببخشد؛ ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۹۱.

۱۱. امام صادق (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ. قَالَ: قُلْتُ: قَبْلَ نَظَرِهِ إِلَى أَهْلِ الْمَوْقِفِ؟ قَالَ: نَعَمْ.»، براستی خداوند تبارک و تعالی در نیمه اول شب عرفه

نظر می‌کند به زائران قبر حسین علیه السلام. راوی گوید عرض کردم: قبل از آن که به اشخاصی که در منی و عرفات هستند، نظر نماید؟ فرمود: آری؛ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۵۸۰.

۱۲. امام عسکری علیه السلام: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةٌ إِحْدَى وَالْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُمُ بِالْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: نماز پنجاه و یک رکعتی (نمازهای واجب و مستحب)، زیارت اربعین، انگشت‌زدن در دست راست کردن، به خاک مالیدن جبین (هنگام سجده)، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

۱۳. امام صادق علیه السلام: «السُّجُودُ عَلَى تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَخْرِقُ الْحُجُبَ السَّبْعَ»، سجده بر تربت حسین علیه السلام، هفت حجاب را می‌شکافد؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۳۶۶.

۱۴. امام زمان علیه السلام: «يُسَبِّحُ بِهِ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ التَّسْبِيحِ أَفْضَلَ مِنْهُ، وَمِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ الشُّبْحَةَ فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ، وَسُئِلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُدِيرَ الشُّبْحَةَ بِيَدِهِ الْيُسْرَى إِذَا سَبَّحَ أَوْ لَا يَجُوزُ؟ فَأَجَابَ: يَجُوزُ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.»، تسبیحی که دانه‌های آن از تربت امام حسین علیه السلام باشد، بهترین وسیله‌ای است که می‌توان اذکار را با آن شمارش کرد زیرا کسی که آن را در دست داشته باشد، حتی اگر ذکر تسبیح را فراموش کند و آن را در دستانش بچرخاند، ثواب تسبیح برای او نوشته می‌شود؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۲، ص ۳۲۷.

۱۵. امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَدَارَ الْحَصِيرَ مِنْ ثُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَاسْتَغْفَرَ بِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً كُتِبَ لَهُ بِالْوَاحِدَةِ سَبْعُونَ مَرَّةً، وَإِنْ أُمْسَكَ الشُّبْحَةَ فِي يَدِهِ وَلَمْ يُسَبِّحْ بِهَا فِي كُلِّ حَبَّةٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ»، هر کس مقداری از تربت حسین علیه السلام را [در دست یا بر خاک] بچرخاند و با آن یک بار استغفار کند، برای او [پاداش] یک بار نوشته می‌شود در حالی که [در واقع] هفتاد بار است. و اگر تسبیح در دست داشته باشد اما با آن تسبیح نکند، در هر دانه از تسبیح، هفت بار [پاداش] نوشته می‌شود؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۴۵۶.

۱۶. امام صادق علیه السلام: «حَنُّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهَا أَمَانٌ.»،
کام نوزادان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که امان از هر درد
است؛ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى
تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت لإحياء التراث، چاپ سوم،
۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۵۲۴.

۱۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأَرْضِ أَوَانِي، أَلَا وَهِيَ الْقُلُوبُ،
فَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ أَرْقَاهَا وَأَصْفَاهَا وَأَصْلَبُهَا. أَرْقَاهَا لِلْإِخْوَانِ، وَأَصْفَاهَا مِنَ
الذُّنُوبِ، وَأَصْلَبُهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ.»، همانا خداوند متعال در زمین
ظرف‌هایی دارد. بدانید که آن ظرف‌ها، همان دل‌هایند. پس دوست
داشتنی‌ترین دل‌ها نزد خداوند، نازک‌ترین و صاف‌ترین و
سخت‌ترین آن‌هاست: نازک‌ترین آن‌ها برای برادران و صاف‌ترین
آن‌ها از گناهان و سخت‌ترین آن‌ها در راه خدا؛ متقی، علی بن حسام
الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، دارالکتب
العلمیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۱۳۳.

۱۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ
الرَّحْمَنِ.»، قلب مؤمن میان دو انگشت از انگشتان خداوند مهربان
است؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح
هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربی،
چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۷، ص ۳۹.

۱۹. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا رَبُّكُمُ الْعَزِيزُ، فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطْعِ الْعَزِيزَ.» خداوند متعال هر روز می فرماید: من پروردگار عزتمند شما هستم؛ پس هر که خواهان عزت دو جهان است باید که از عزتمند فرمان برد؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تصحيح هدايت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۱۲۰.

۲۰. «وَفِيمَا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دَاوُدُ، إِنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةً فِي خَمْسَةٍ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ غَيْرِهَا فَلَا يَجِدُونَهَا. وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْجَهْدِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَالرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ. وَوَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ. وَوَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ. وَوَضَعْتُ رِضَائِي فِي سَخَطِ النَّفْسِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي رِضَا النَّفْسِ فَلَا يَجِدُونَهُ. وَوَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا.» خداوند به داود عليه السلام وحی کرد من پنج چیز را در پنج چیز قرار داده‌ام ولی مردم آن را در پنج چیز دیگر می‌جویند و نمی‌یابند. علم را در گرسنگی و کوشش قرار داده‌ام آن‌ها در سیری و آسایش می‌جویند و نمی‌یابند. شخصیت را در اطاعت خود قرار داده‌ام آن‌ها در خدمت سلطان می‌جویند و نمی‌یابند. بی‌نیازی را در قناعت قرار داده‌ام و آن‌ها در ثروت می‌جویند و نمی‌یابند.

و رضای خود را در مخالفت با نفس قرار داده‌ام آن‌ها در خشنودی نفس می‌جویند و نمی‌یابند و آسایش را در بهشت قرار داده‌ام و آن‌ها در دنیا می‌جویند و نمی‌یابند؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

۲۱. امام باقر (علیه السلام): «الْغِنَى وَالْعِزُّ يَجُولَانِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ، فَإِذَا وَصَلَا إِلَى مَكَانٍ فِيهِ التَّوَكُّلُ أُوطِنَاهُ»، ثروت و عزت در قلب مؤمن در حرکت است وقتی رسیدند به مکانی که در آن توکل بود آنجا را وطن می‌گیرند؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۴۰ ش، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲۲. «ثُمَّ خَرَجَ الْقَاسِمُ بْنُ الْحَسَنِ وَهُوَ غُلَامٌ صَغِيرٌ لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ، كَانَ وَجْهُهُ شَقَّةُ قَمَرٍ، وَفِي يَدِهِ السَّيْفُ، عَلَيْهِ قَمِيصٌ وَإِزَارٌ وَنَعْلَانِ، قَدْ انْقَطَعَ شِسْعُ أَحَدِهِمَا. فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ الْحُسَيْنُ اعْتَنَقَهُ، وَجَعَلَا يَبْكِيَانِ حَتَّى غُشِيَ عَلَيْهِمَا. ثُمَّ اسْتَأْذَنَ الْغُلَامُ لِلْحَرْبِ، فَأَبَى عَمُّهُ الْحُسَيْنُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ، فَلَمْ يَزَلِ الْغُلَامُ يُقَبِّلُ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ، وَيَسْأَلُهُ الْإِذْنَ، حَتَّى أَذِنَ لَهُ. فَخَرَجَ وَدُمُوعُهُ عَلَى خَدَّيْهِ، فَقَالَ: إِنْ تَنْكِرُونِي فَأَنَا فَرْعُ الْحَسَنِ. وَحَمَلْ، وَكَانَ وَجْهُهُ فَلَقَّةُ قَمَرٍ، وَقَاتَلَ فَقَتَلَ - عَلَى صَغَرِ سِنِّهِ - خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ رَجُلًا. فَمَا وَلَّى حَتَّى ضَرَبَ رَأْسَهُ بِالسَّيْفِ، فَوَقَعَ الْغُلَامُ لَوَجْهِهِ،

وَصَاحَ: يَا عَمَّاهُ! فَانْقَضَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ كَالصَّقْرِ، وَتَخَلَّلَ الصُّفُوفَ، وَشَدَّ شِدَّةَ اللَّيْثِ الْحَرْبِ، فَضْرَبَ عَمْرًا بِالسَّيْفِ، فَاتَّقَاهُ بِيَدِهِ، فَأَظَنَّتْهَا مِنَ الْمَرْفِقِ، فَصَاحَ، ثُمَّ تَنَحَّى عَنْهُ، فَحَمَلَتْ خَيْلُ أَهْلِ الْكُوفَةِ لِيَسْتَنْقِذُوهُ، فَاسْتَقْبَلَتْهُ بِضُؤُورِهَا، وَوَطِئَتْهُ بِحَوَافِرِهَا، فَمَاتَ. وَانْجَلَتِ الْغُبْرَةُ، فَإِذَا بِالْحُسَيْنِ قَائِمٌ عَلَى رَأْسِ الْغُلَامِ، وَهُوَ يَفْحَصُ بِرِجْلَيْهِ، وَالْحُسَيْنُ يَقُولُ: «عَزَّ وَاللَّهِ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ، أَوْ يُجِيبُكَ فَلَا يُعِينُكَ، أَوْ يُعِينُكَ فَلَا يُغْنِي عَنْكَ، بُعْدًا لِقَوْمٍ قَتَلُوكَ، الْوَيْلُ لِقَاتِلِكَ.» ثُمَّ احْتَمَلَهُ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رَجُلِي الْغُلَامِ تَخْطَانِ الْأَرْضَ، وَقَدْ وَضَعَ صَدْرَهُ إِلَى صَدْرِهِ.»، سپس قاسم بن حسن علیه السلام که نوجوانی کم سن بود و هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، به میدان آمد. چهره اش همچون پاره ای از ماه می درخشید. شمشیری در دست داشت و پیراهن، ازاری بر کمر و کفش بر پا داشت که بندی یکی از آنها پاره شده بود. هنگامی که امام حسین علیه السلام او را دید، او را در آغوش گرفت و هر دو آن قدر گریستند که از شدت اندوه بی حال شدند. آن گاه آن نوجوان از عمویش اجازه نبرد خواست، اما امام حسین علیه السلام در آغاز از دادن اجازه خودداری کرد. قاسم علیه السلام پیوسته دست ها و پاهای عمویش را می بوسید و با اصرار اجازه میدان می خواست تا سرانجام امام به او اجازه داد. پس قاسم، در حالی که اشک بر گونه هایش جاری بود، به میدان رفت و چنین رجز خواند: «اگر مرا نمی شناسید، من از نسل حسنم.» سپس حمله کرد؛ در حالی که چهره اش همچون پاره ماه بود.



با وجود سن اندکش جنگید و سی و پنج نفر را به قتل رساند. سرانجام ضربه‌ای از شمشیر بر سرش فرود آمد. آن نوجوان با صورت بر زمین افتاد و فریاد زد: «ای عمو جان!» امام حسین علیه السلام، مانند باز شکاری، نگاهی به او انداخت و خود را به صفوف دشمن زد و مانند شیری خشمگین، حمله کرد و عمرو را با شمشیر زد. عمرو برای دفع ضربه، دست خود را سپر کرد، اما شمشیر دست او را از آرنج قطع کرد. او فریادی کشید و عقب نشست. آنگاه سواران سپاه کوفه برای نجات او به تاخت آمدند؛ اما اسب‌ها با سینه‌های خود به او برخورد کردند و او را زیر شُم‌هایشان پایمال کردند و در نتیجه جان سپرد. هنگامی که گرد و غبار فرو نشست، امام حسین علیه السلام را دیدند که بر بالین آن نوجوان ایستاده بود، در حالی که قاسم علیه السلام - در واپسین لحظات جان دادن - پاهای خود را بر زمین می‌کشید و بی‌اختیار حرکت می‌داد. امام حسین علیه السلام می‌فرمود: «به خدا سوگند، بر عمویت بسیار سخت است که او را بخوانی و نتواند پاسخت دهد، یا پاسخت دهد ولی نتواند به یاریت بشتابد، یا به یاریت بشتابد اما نتواند سودی به حالت برساند. لعنت بر قومی که تو را کشتند؛ وای بر قاتلت!» سپس امام، پیکر قاسم علیه السلام را برداشت؛ گویی می‌بینم که پاهای آن جوان، بر زمین کشیده می‌شود، در حالی که سینه‌اش بر سینه عمویش تکیه داشت؛ اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، أنوارالهدی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۳۱ و ۳۲.

۲۳. امام مجتبیٰ (علیه السلام): «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، هیچ روزی به سختی و عظمتِ روز تو نیست، یا اباعبدالله؛ ابن بابویه، محمد بن علی، اُمالی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۶.